

احیاناً حتی برخی از پست‌های دولت و حکومت را به تندروهای اصول‌گرا بسپارد، بنابراین، تندروهای هر دو جناح اصول‌گرا و اصلاح‌طلب، خیلی روی خوشی به وفای نشان ندادند. اما در مقابل به نظر می‌آید که میانه‌روهای هر دو جناح دوست داشتند که موضوع وفای محقق شود و به پیشرفت کشور منجر شود، هر چند که تعریفی که از آن وجود داشت، آنقدر نقص داشت که دست و پای دولت وفای را ببندد.

❖ اگر قرار بر مقایسه عمل به وفای بین دولت وبه‌خصوص شخص رئیس‌جمهور با هر دو طیف سیاسی اصلاح‌طلب و اصول‌گرایشیم، کدام سمت عملکردموفق‌تری داشتند و بیشتر در این مسیر قدم برداشتند؟

پاسخ به این سوال، برمی‌گردد به توقعی که هر دو طرف از وفای داشتند. اگر خاطرتان باشد، اولین اقدامی که رئیس‌جمهور بعد از مراسم تحلیف انجام داد، معرفی وزرا به مجلس بود. اگر به یک سال قبل برگردیم، می‌بینیم که آن روزها، روزهای کم‌چالشی نبود. گرچه یک شورای راهبردی برای بررسی صلاحیت وزرا تشکیل شده بود، اما مسئولیت اصلی با شخص آقای رئیس‌جمهور بود. همان موقع هم دوستان اصلاح‌طلب معتقد بودند که آقای رئیس‌جمهور، دارد بر خی از پست‌ها را به جناح اصول‌گرا می‌دهد و از این‌ جهت گله‌مند بودند با اینکه، می‌گفتند اصلاح‌طلبان شناسنامه‌دار، خیلی در کابینه‌نمود و بروز زیادی ندارند. بخشی از جبهه اصلاحات، منتقد بودند و معتقد بودند که چون در انتخابات، جبهه اصلاحات بیشترین تلاش را برای رای‌آوری آقای پزشکيان انجام داده است، بنابراین، وزرا هم باید متناسب به خودشان باشند. در طرف مقابل هم، اصول‌گرایان به نظم به درستی می‌گفتند که رای آقای پزشکيان، واقعاً رای جامعه اصلاح‌طلبی نیست؛ چون بسیاری از اصلاح‌طلبان جزء تحریم‌کنندگان و غایبان در انتخابات بودند و این بدنه و کف جامعه بود که به انتخابات پیوسته بود و خیلی هم گرایش سیاسی اصلاح‌طلبانه کلاسیک نداشت. یعنی افرادی که در انتخابات شرکت کرده بودند، اکثراً گرایش سیاسی به احزاب اصلاح‌طلب‌نداشتند. به یک اندیشه‌ای که آقای پزشکيان مروج آن بود، گرایش داشتند، ولی به احزاب شناسنامه‌دار اصلاح‌طلب وابستگی نداشتند. اگر شما الان همه احزاب اصلاح‌طلب را بیاورید و اعضایاش را بشمارید چند نفر می‌شوند؟ من بعید می‌دانم همه جریان اصلاح‌طلب با هم، احزابش ۵۰ هزار نفر عضو داشته باشند. قطعاً ندارند. بنابراین، اصول‌گراها می‌گفتند از آنجایی که بدنه رای آقای پزشکيان ربط مستقیمی به جریان اصلاحات ندارد، بنابراین باید در کابینه از افراد غیراصلاح‌طلب هم حضور داشته باشند. من فکر می‌کنم با این وجود، جریان اصول‌گرا از آنجایی که شخصیت آقای پزشکيان را یک شخصیت اصلاح‌طلب می‌دانستند، توقع‌شان خیلی کمتر از توقع جریان اصلاح‌طلب بود.

❖ مهم‌ترین اقدامات انجام شده طی این یک سال توسط دولت مسعود پزشکيان، کدام اقدامات بودند؟

در باره اقدامات دولت آقای پزشکيان در یک سال گذشته، باید با تامل بر خورد کرد. اگر بگوئیم دولت آقای پزشکيان، بدشانش ترین دولت بعد از انقلاب بوده، غلو نیست. غلط نیست اگر بگوئیم دولت آقای پزشکيان حتی از دولت آقای موسوی که زمان جنگ هم تشکیل شد و تمام هشت سال دوران نخست‌وزیری او با جنگ مواجه بود، دچار سختی‌های بیشتری شده است. در اولین روز شروع دولت ایشان، ماجرای ترور اسماعیل هنیه در تهران صورت گرفت که به شکلی اعلام جنگ رسمی اسرائیل به دولت ایران بود. آخرین مورد هم که در همین یک ماه اخیر بود که با جنگ اسرائیل و آمریکا با ایران روبه‌رو بودیم. افزایش تحریم‌ها از طرف آمریکا در دورانی که ترامپ روی کار آمد، به اضافه‌ی تلنبار شدن همه آثار تحریم‌هایی که در طول دولت‌های آقای رئیسی و آقای روحانی جمع شده بودند، همه اینها میراثی برای آقای پزشکيان بر جای گذاشتند که میراث سخت و پرزحمتی بود. به نظر من دولت آقای رئیسی، با حضور دولت آقای بایدن می‌شد اتفاقات بهتری را رقم زد، یک بخشی از تحریم‌ها را برطرف کرد و به نوعی مذاکرات را پیش برد اما ناتوانی ذاتی دولت آقای رئیسی و ناتوانی بخش‌های مهمی از دیپلماسی، صنعت و اقتصاد کشور، در یکدیگر ضرب شدند و شرایط بسیار بدی را به وجود آوردند که همان‌ها برای آقای پزشکيان به ارث رسید. حتی اگر جنگی هم صورت نمی‌گرفت، آقای پزشکيان برای ااوربرداری مشکلات گذشته، چهار سال وقت هم برایش کم بود. متأسفانه وقتی این اتفاق افتاد و جنگ شروع شد، آقای پزشکيان و دولتش هم با مشکلات متعددی روبه‌رو شدند و عملاً دولت به روزمرگی مشغول شد تا اینکه بتواند گذران وضعیت روزمره کشور را داشته باشد و کشور را برای یکی دو ماه بعد اداره کند. در چنین شرایطی، اینکه بخواهند برنامه‌های توسعه برای آینده داشته باشند، واقعاً فرصتش نبود. مهبذا، ایشان از رفتارهایی که باعث شود، تنش در جامعه بیشتر شود، جلوگیری کرد. به هر حال مقاومت ایشان در مقابل اجرای قانون عفاف و حجاب، توانست یک بحران بالقوه‌ای را در کشور از بین ببرد، چون اگر آن اتفاق می‌افتاد، معلوم نبود شرایط چگونه رقم می‌خورد. من معتقدم که اگر به جای دولت آقای پزشکيان، دولت دیگری روی کار بود، ما در جنگ اخیر بسیار ضربه‌پذیرتر می‌شدیم و باید با سرمایه اجتماعی از دست رفته بیشتری روبه‌رو می‌شدیم. یکی از معضلاتی که دولت آقای پزشکيان با آن روبه‌رو بود، در بحث انتصابات بود. این قانون انتصابات و استعلام‌ها که در زمان دولت آقای رئیسی و در مجلس گذشته تصویب شد، یکی از بدترین قوانین موجود در کشور است که حتی اگر به جای آقای پزشکيان، آقای جلیلی هم می‌خواست رئیس‌جمهور شود، این قانون دست و پای او را برای انتصابات می‌پست. آقای رئیس‌جمهور، به‌نظم چاره‌ای ندارد که درخواست ابطال این قانون را از مجلس کند، چون این قانون به



اگر بگوئیم دولت آقای پزشکيان،

بدشانش‌ترین دولت

بعد از انقلاب بوده،

غلو نیست. غلط

نیست اگر بگوئیم

دولت آقای پزشکيان

حتی از دولت آقای

موسوی که زمان

جنگ هم تشکیل شد

و تمام هشت سال

دوران نخست‌وزیری

او با جنگ مواجه

بود، دچار سختی‌های

بیشتری شده است

شدت ضدشایسته‌سالاری است، این قانون به شدت انتصابات را در دولت کُند می‌کند و عملاً دولت را فشل و فلج می‌کند. حتی اگر آقای رئیس‌جمهور نتواند آن را ملغی کند، حداقل بیان آن در رسانه‌ها و تریبون‌های می‌تواند بخشی از خواسته‌های دولت و مردم را در جامعه مطرح کند.

❖ تا به اینجا از شرایطی که دولت در آن قرار داشت حرف زدید. به هر حال هر کاری ضعیف و قوت دارد. مهم‌ترین کاستی‌ها را در حوزه دولت چهاردهم در کدام بخش‌ها می‌دانید؟

در باره صحبت کردن از اینکه کاستی‌های دولت آقای پزشکيان چه بوده، طبیعتاً اگر با یک دولت در شرایط عادی روبه‌رو بودیم، می‌توانستیم کاستی‌های بسیار زیادی را برای آن فهرست کنیم. اما در باره دولت آقای پزشکيان، واقعاً نمی‌توان خیلی انتظارات و توقعات را مطرح کرد. وقتی انتظارات و توقعات را پایین‌تر بیاوریم، طبعاً کاستی‌ها هم کمتر به چشم خواهد آمد. ما وقتی از بیرون به دولت نگاه می‌کنیم و از دور دستی بر آتش داریم، قاعدتاً در بطن حوادث و وقایع نیستیم، در چنین وضعیتی همین نقد غیرواقع‌بینانه هم ممکن است رگه‌هایی از واقعیت در آن وجود داشته باشد. من اعتقاد دارم که یکی از کاستی‌های دولت آقای پزشکيان این است که با توجه به شرایطی که در آن قرار دارد، در مقابل برخی از مخالفت‌هایی که با دولت صورت گرفت و سنگ‌اندازی‌هایی که در برابر دولت انجام شد، ایشان محکم نایستاد. به عنوان مثال بگویم، داستان شورای عالی فضای مجازی را آقای پزشکيان باید در همان جلسه اول شورا حل می‌کرد. یعنی اینکه ایشان باید همان جلسه اول، با ترکیبی که به لحاظ افراد و عقاید وجود داشت، با هماهنگی مقامات عالی نظام، آنجا را تعطیل می‌کرد و تابلو هم بالای درش می‌زدند که شورای عالی فضای مجازی، به علت تعصبات تا اطلاع ثانوی تعطیل است و اجازه نمی‌دانند که یک گروه معدودی که اکثراً نماینده جناح شکست خورده در انتخابات بودند، بتوانند سرنوشت دولت را به بازی بگیرند و محبوبیت و مقبولیت دولت را هر روز دچار چالش کنند و زیر سوال ببرند. درستش این بود که در بر خورد و مواجهه رئیس‌جمهور با شورای عالی فضای مجازی، قاطعیت بسیار بالاتری صرف می‌شد. دوم در مقابل مجلس، به‌نظم آقای پزشکيان، مدارای بیش از اندازه به خرج داد. به هر حال، آقای پزشکيان رئیس‌جمهوری بود که با اکثریت نسبتاً خوبی انتخاب شده بود و در مقابل مجلسی قرار داشت که در یک انتخابات بسیار ضعیفی روی کار آمده بود و باید حد خودش را می‌دانست. آقای پزشکيان شاید با تعریفی که از وفای شده بود، در مقابل این مجلس کوتاه آمد. ولی او پشتوانه مردمی بزرگتری را داشت و مجلس از چنین پشتوانه‌ای بر خوردار نبود. البته اینکه می‌گویم مجلس، منظورم همه نیستند. منظورم یک اقلیتی هستند که در مجلس حضور دارند، اقلیتی که صدایشان بلند است و صداسوسیما را هم در اختیار دارند. به‌نظم آقای پزشکيان باید در مقابل مجلس کوتاه نمی‌آمد. سومین موضوع هم صداسوسیما بود. آقای پزشکيان باید خیلی زودتر از این حرف‌ها تکلیف خودش را با صداسوسیما روشن می‌کرد. شما نمی‌توانید کشوری که در تحریم قرار گرفته، در حال جنگ است و بحران‌های سیاسی و اجتماعی دارد را با این رسانه رسمی جلو ببرید. در حالی که کشور این مشکلات را دارد، اما رسانه رسمی کشور، کاملاً در مقابل دولت قرار می‌گیرد؛ هر روز با دعوت از کارشناسانی که بیشتر حرف‌هایشان به طنز شبیه است و یا مجری‌هایی که از سواد کافی بر خوردار نیستند و تحلیل‌گرانی که معمولاً همه حرف‌هایشان بی‌ربط است، سرنوشت کشور به چنین صداسوسیمایی گره می‌خورد. به‌نظم آقای پزشکيان، می‌توانست و باید این موضوع را خیلی خیلی زودتر از اینها حل می‌کرد، همچنین در عملکرد برخی از وزارت‌خانه‌ها هم می‌توان ایراداتی را وارد دانست، برای مثال وزارت نیرو در ناترازی انرژی و آب درست عمل نکرد، شاید می‌توانست بهتر از این عمل کند.

❖ به نظرتان شخص رئیس‌جمهور در یک سال اول چقدر صدای مردم را شنیده و در این راستا حرکت کرده است؟ پاسخ دادن به این سوال، مستلزم بیان یک مقدمه است. طبیعتاً، همه رئیس‌جمهورها و افرادی که کاندیدای ریاست‌جمهوری می‌شوند، وقتی که می‌خواهند در انتخابات شرکت کنند، یکسری شعارهایی را مطرح می‌کنند. این افراد وقتی برای ریاست‌جمهوری انتخاب می‌شوند، متوجه می‌شوند که برخی از آن شعارهایی که در انتخابات داده‌اند، به آن شکلی که در ذهن داشته‌اند قابلیت اجرا نداشته است. برای مثال، خود آقای پزشکيان احتمالاً وقتی در جریان انتخابات شعار مربوط به آزادی اینترنت و رفع فیلترینگ را می‌داد، شاید تصور می‌کرد وقتی که بر صندلی ریاست‌جمهوری تکیه بزند، خیلی راحت بتواند آن

آگهی مفقودی

سندکمپانی، برگ سبز و تسلسل اسناد محضری سواری پیکان ۱۶۰۰ مدل ۱۳۸۰، رنگ سفید شماره شاسی ۱۹۱۴۲۰۴۰۰۴۱۸۸ شماره موتور ۱۱۲۱۸۰۱۲۰۴۱ شماره پلاک ۴۳ ایران ۶۹۲ ج ۵۷ به نام حسین علی باقر فراش مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

آگهی مفقودی

مجوز حمل سلاح و مهمات شکاری تک لول ساچمه زنی کالیبر ۱۲ ساخت ایران به شماره سریال ۲۸۰۹۳۳۱ وتاریخ اعتبار ۱۳۸۵/۱۱/۲۳ به نام آقای ابو طالب بهرامی به کد ملی ۱۱۹۹۶۱۰۲۶۷ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

سه شنبه ۱۴ مرداد ۱۴۰۴
سال چهارم. شماره ۸۵۱
www.hammihanonline.ir

شعارها را عملیاتی کند. اما در مقام عمل دید که این اتفاق نیفتاد. به همین دلیل هم آقای پزشکيان، حتی هنوز هم متهم است به اینکه صدای مردم را راجع به اینترنت و رفع فیلترینگ نشنیده است. اما پزشکيان به‌نظم، چون شعارهای زیادی در انتخابات نداده بود، از این جهت خیلی دستش خالی نیست. یعنی چون عمده حرف‌هایی که زد، این بود که من کار را به کارشناسان واگذار خواهم کرد و در باره لایحه عفاف و حجاب هم آن موقع حرف‌هایی را گفته بود که آن را توانست به کرسی بنشاند، در آن مورد، موفق عمل کرده است. هنوز هم به‌نظم پزشکيان، شعارهایی که برای انتخابات داده بود و صدای مردم بود را همچنان تکرار می‌کند که برخی از آنها شاید قابلیت اجرا به راحتی پیدا نکرد که مثلاً می‌توان به موضوع مذاکره با غرب و بهبود وضعیت اقتصادی اشاره کرد. گرچه ایشان می‌خواست صدای مردم را بیان کند و بیان کرد، اما در مقام عمل خیلی موفق نشد و بالاخره هم آمریکایی‌ها با تحمیل جنگ، عملاً جلوی مذاکره را گرفتند.

❖ یکی از موضوعات مهم، ارتباط مجلس و دولت است. تحلیل‌تان از نوع ارتباط مجلس و شخص رئیس‌جمهور در این یک سال چیست؟ تا چه میزان مجلس توانسته است به روند حرکتی دولت و رسیدن پزشکيان به اهدافش کمک کند؟

مجلس در ابتدای معرفی کابینه به همه وزرای پیشنهادی آقای پزشکيان رای داد. این البته لطفی نبود که مجلس به دولت کرده باشد، به خاطر اینکه فضا و شرایط سیاسی آن موقع به گونه‌ای نبود که اصلاً مجلس توان چنین مقابله‌ای را با دولت داشته باشد، به‌خصوص دولتی که با شعار وفای آمده بود و حتی در معرفی اعضای کابینه هم، ملاحظه رئیس مجلس و بر خی از چهره‌های سیاسی جناح اصول‌گرا را کرده بود. طبیعتاً در آن مقطع مجلس جز اینکه با دولت راه بیاید، نمی‌توانست کار دیگری کند و اگر در آن مقطع می‌خواست با دولت در بیفتد، به احتمال زیاد با مشکلات جدی‌ای روبه‌رو می‌شد. اما در ادامه، به هر حال مجلس در جاهایی که می‌توانست، برای دولت و شخص رئیس‌جمهور مزاحمت ایجاد کند، کوتاهی نکرد. در استیضاح وزیر اقتصاد دیدیم که رفتار مجلس، واقعاً رفتار غیرقابل قبولی بود. در اوج تحریم‌ها و بحران اقتصادی، یکی از اصلی‌ترین و کلیدی‌ترین مهره‌های دولت را استیضاح کردن و رای عدم اعتماد دادن، اسمش هر چه که باشد، همراهی با دولت نیست. در مجموع می‌شود گفت که مجلس به دلیل اینکه صدای تندروها در آن بلند است و معتدلین حاضر نیستند از خودشان برای دولت هزینه کنند، مجلسی ناهمسو و ناهمراه با دولت آقای پزشکيان است.

❖ به غیر از موضوع وزیر اقتصاد، مهم‌ترین سنگ‌اندازی‌های مجلس در مسیر حرکت دولت و رئیس‌جمهور از کدام موارد می‌دانید؟

در سوال قبل اشاره‌ای به این موضوع داشتم، اما می‌توان لایحه عفاف و حجاب را هم به آن اضافه کرد. در مجموع میزان تذکرات و اعتراضات فراوان مجلس به دولت را می‌توان به آن اضافه کرد، هر چند که به‌نظم آقای قالیباف سعی کرده است موضع میانه‌ای در مجلس اتخاذ کند ولی همیشه هم یا موفق نبوده یا خودش خیلی دلش نبوده که با دولت همراهی کند.

❖ به عنوان آخرین سوال، به نظرتان بزرگ‌ترین چالش‌هایی که در دومین سال ریاست‌جمهوری، روبه‌روی مسعود پزشکيان خواهد بود؛ کدام چالش‌هاست؟

بزرگ‌ترین چالش شاید موضوع دیپلماسی باشد که باید دولت آقای پزشکيان آن را به نحو شایسته حل کند. البته روز به‌روز شرایط محدودتر شده است و گزینه‌های ایران، تعدادشان کمتر شده است. ما یک زمانی، دست پر در موضوعات منطقه داشتیم ولی امروز از جهاتی دست‌هایمان در این موضوع خالی شده است. بنابراین، مسئله دیپلماسی، به عنوان چالشی اصلی مطرح است. موفقیت گفت‌وگوهای ایران و غرب، چالش بعدی است. مسئله توانمندی‌های هسته‌ای ایران و به‌خصوص پروژه غنی‌سازی، چالش بعدی است که با آن روبه‌رو هستیم. چالش تحریم‌ها که الان خودش را در ناترازی انرژی نشان داده است، ممکن است در سال آینده هم به عنوان یک چالش جدی، همچنان ادامه‌دار باشد. احتمال بروز جنگ هم به عنوان یک اتفاق محتمل، وجود دارد. اگر ایشان با سرپنجه تدبیر، مسئله فیلترینگ را حل نکند و شورای عالی فضای مجازی را بلااثر نکند، باید همچنان اره بدهد و تیشه بگیرد تا حداقل یک سال آینده با این شورا ادامه پیدا کند. مسئله تندروهای جبهه‌یاداری، چه در مجلس و چه در بیرون از مجلس هم از چالش‌های اصلی دولت آقای پزشکيان است. تندروهای اصلاح‌طلب هم که به‌نظم هرازگاهی با بیانیه‌هایشان اعصاب دولت را به هم می‌ریزند، از چالش‌های سال آینده دولت خواهند بود.

چهره‌ها



مخالفت آیت‌الله سیستانی با نصب تصاویرش

دفتر آیت‌الله علی سیستانی، در بیانیه‌ای مخالفت ایشان را با نصب تصاویرش در مسیر پیاده‌روی زیارت امام حسین (ع) اعلام کرد. در متن بیانیه آمده است: «مشاهده شده است که برخی از جناح‌های سیاسی و خدماتی، تصاویر حضرت آیت‌الله‌العظمی سیستانی (دام‌ظله) را بر روی تابلوها و پوسترهای خود در اماکن عمومی و به ویژه در مسیرهای پیاده‌روی زائران اربعین امام حسین (علیه‌السلام) نصب می‌کنند. ضمن تأکید مجدد بر رد این رفتار، از عموم درخواست می‌کنیم از انجام چنین اقداماتی پرهیز نمایند و از نهادهای ذی‌ربط می‌خواهیم که در این زمینه اقدامات مقتضی را به عمل آورند.»



وطن دوستی نه ملی گرایی

علی مطهری، فعال سیاسی در گفت‌وگو با جماران با بیان اینکه «ملی‌گرایی اگر به معنی ناسیونالیسم و ملت‌پرستی و تعصب نژادی باشد، امری مذموم و نکوهیده و مخالف اسلام است.» گفت: «اما ملی‌گرایی به معنی وطن‌دوستی طبیعی است که مغایرتی با اسلام ندارد. آنچه در جریان جنگ ۱۲ روزه و بعد از آن به‌طور طبیعی بروز پیدا کرد و از طرف نظام هم تبلیغ می‌شود وطن‌دوستی است، نه ناسیونالیسم و تعصب نژادی.» وی در ادامه افزود: «ناسیونالیسم ابزاری است که استعمار غرب قرن‌هاست از آن برای جدایی و تفرقه ملت‌های مسلمان استفاده می‌کند و پان‌عربیسم و پان‌ترکیسم و پان ایرانیسم را به وجود آورده است.»



بایسته‌های پسا جنگ

حزب اتحاد ملت ایران اسلامی، با صدور بیانیه‌ای بر بایسته‌های مهم پسا‌جنگ، تأکید داشت. در بخشی از این بیانیه آمده است: «انتظار داشتیم پس از توقف جنگ برای قدرانی از کار بزرگ مردم و تضمین استمرار تاب‌آوری ملی، اقداماتی صورت گیرد.» در ادامه این بیانیه مواردی از این انتظارات مطرح شده است که به صورت تیتروار در ادامه می‌آید:

- آزادی زندانیان سیاسی
- رفع حصر
- تغییر رویکرد رسانه ملی
- رفع فیلترینگ
- اعلام عفو عمومی
- انتصاب افراد مستقل و مورد اعتماد مردم در نهادهای و مناصب ملی و غیرسیاسی
- حمایت از آسیب‌دیدگان جنگ
- تغییر اساسی در ساختار امنیتی -اطلاعاتی کشور
- رفع موانع استفاده از توان افراد شایسته در سطوح مختلف حاکمیتی
- اعتماد به جامعه مدنی و احترام به استقلال آن
- سیاست خارجی کنش‌گرا نه و نتیجه‌گرا

در پایان این بیانیه نیز آمده است: «حزب اتحاد ملت ایران اسلامی بار دیگر بر اتحاد ملی و بازگشت حکومت به مردم به عنوان تنها راه نجات ایران تأکید می‌کند، و امیدوار است حاکمیت با واقع‌بینی، تکیه بر عقلانیت، و جلوگیری از سلطه‌ی عناصر تندرو بر کانون‌های تصمیم‌گیری، رسالت الهی و تاریخی خود را در فراهم کردن زمینه‌ی حکمرانی خوب و قرار گرفتن ایران در مسیر عزت و شرافت به انجام رساند.»